

به نام خدا

یادگیری شخصی سازی شده؛ رویکردی نو برای شکوفایی استعدادهای دانش آموزان

مولفان :

فاطمه کریمی شیاپی

حمیرا منصوری بابامنصوری

آزاده حکیمی گرمخانه

آرزو حکیمی گرمخانه

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : کریمی شیاسی، فاطمه ، ۱۳۷۹
عنوان و نام پدیدآورندگان: یادگیری شخصی سازی شده؛ رویکردی نو برای شکوفایی استعدادهای دانش آموزان / مولفان: فاطمه کریمی شیاسی ، حمیرا منصوری بابامنصوری ، آزاده حکیمی گرمخانه
آرزو حکیمی گرمخانه
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۷۹-۷
شناسه افزوده : منصوری بابامنصوری ، حمیرا ، ۱۳۶۵
شناسه افزوده : حکیمی گرمخانه ، آزاده ، ۱۳۷۰
شناسه افزوده : حکیمی گرمخانه، آرزو ، ۱۳۷۳
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : یادگیری شخصی سازی شده؛ رویکردی نو برای شکوفایی استعدادهای دانش آموزان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۸۵۴۵۶۵۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

نام کتاب : یادگیری شخصی سازی شده؛ رویکردی نو برای شکوفایی استعدادهای دانش آموزان
مولفان: فاطمه کریمی شیاسی - حمیرا منصوری بابامنصوری - آزاده حکیمی گرمخانه - آرزو حکیمی گرمخانه
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۷۵۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۳۷۹-۷
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

پیشگفتار	۵
مقدمه	۷
فصل اول: مبانی نظری و مفهومی یادگیری شخصی سازی شده	۹
مفهوم شناسی یادگیری شخصی سازی شده و تمایز آن از آموزش یکسان نگر	۱۵
سیر تحول دیدگاه های آموزشی در توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان	۲۱
مبانی روان شناختی، تربیتی و شناختی در یادگیری شخصی سازی شده	۲۶
نقش ویژگی های فردی، علایق و استعدادها در شکل گیری مسیر یادگیری	۳۰
فصل دوم: شناسایی استعدادها و نیازهای یادگیری دانش آموزان	۳۵
روش های شناسایی استعدادها، توانمندی ها و ظرفیت های پنهان دانش آموزان	۴۰
بررسی تفاوت های فردی در سبک های یادگیری، انگیزش و پیشرفت تحصیلی	۴۵
نقش ارزشیابی تشخیصی در شناخت نیازها و سطح آمادگی یادگیرندگان	۴۹
طراحی پرونده یادگیری برای ترسیم مسیر رشد آموزشی هر دانش آموز	۵۴
فصل سوم: راهبردها و الگوهای اجرای یادگیری شخصی سازی شده در مدرسه	۵۹
طراحی آموزش متناسب با سطح، نیاز و توانایی هر دانش آموز	۶۳

تنوع‌بخشی به روش‌های تدریس برای پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی ۶۶

نقش معلم در هدایت، پشتیبانی و تسهیل فرایند یادگیری شخصی‌سازی‌شده ۶۹

ایجاد محیط یادگیری پویا، انعطاف‌پذیر و فرصت‌آفرین در کلاس درس ۷۴

فصل چهارم: پیامدها، چالش‌ها و افق‌های آینده یادگیری شخصی‌سازی‌شده ۷۹

تأثیر یادگیری شخصی‌سازی‌شده بر شکوفایی استعدادها و پرورش خلاقیت ۸۴

موانع اجرایی در مدرسه و راهکارهای غلبه بر چالش‌های پیاده‌سازی ۸۷

نقش خانواده و نظام آموزشی در پشتیبانی از یادگیری شخصی‌سازی‌شده ۹۱

چشم‌انداز آینده آموزش در پرتو توجه به مسیر یادگیری هر دانش‌آموز ۹۵

نتیجه‌گیری ۹۷

منابع ۱۰۱

پیشگفتار

آموزش و پرورش در روزگار کنونی بیش از هر زمان دیگری با این واقعیت روبه‌روست که دانش‌آموزان، با وجود قرار گرفتن در یک کلاس، از نظر توانایی‌ها، علایق، نیازها، پیشینه‌های یادگیری، سرعت درک مطالب و شیوه‌های فهم و پردازش اطلاعات، یکسان نیستند. از این‌رو، الگوهای آموزشی یکسان‌نگر که همه فراگیران را با یک روش، یک محتوا و یک معیار مورد سنجش قرار می‌دهند، دیگر پاسخ‌گوی نیازهای پیچیده و متنوع نسل امروز نیستند. در چنین شرایطی، توجه به یادگیری شخصی‌سازی‌شده به‌عنوان رویکردی نوین و تحول‌آفرین، ضرورتی انکارناپذیر در نظام‌های آموزشی به شمار می‌آید.

یادگیری شخصی‌سازی‌شده بر این اصل استوار است که هر دانش‌آموز، انسانی یگانه با استعدادها، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاص خویش است و باید فرصت آن را داشته باشد که متناسب با توانایی‌ها، علایق و نیازهای خود، مسیر یادگیری‌اش را طی کند. این رویکرد نه تنها به بهبود کیفیت یادگیری می‌انجامد، بلکه زمینه را برای کشف و شکوفایی استعدادهای نهفته، تقویت انگیزه درونی، افزایش احساس شایستگی و مشارکت فعال‌تر دانش‌آموزان در فرایند آموزش فراهم می‌سازد. در حقیقت، شخصی‌سازی یادگیری، تلاشی است برای عبور از آموزش قالبی و حرکت به سوی تربیتی انسانی‌تر، عادلانه‌تر و اثربخش‌تر.

کتاب «یادگیری شخصی‌سازی‌شده؛ رویکردی نو برای شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان» با هدف تبیین ابعاد نظری و عملی این رویکرد و بررسی نقش آن در تحول فرایندهای آموزشی نگاشته شده است. این اثر می‌کوشد نشان دهد که چگونه می‌توان با شناسایی تفاوت‌های فردی، نیازهای آموزشی و استعدادهای گوناگون دانش‌آموزان، محیطی یادگیرنده‌محور و فرصت‌آفرین ایجاد کرد؛ محیطی که در آن هر دانش‌آموز نه به‌عنوان عضوی از یک جمع همگن، بلکه به‌مثابه فردی دارای هویت، ظرفیت و مسیر رشد ویژه خویش دیده شود.

بی‌تردید، شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان تنها در سایه شناخت دقیق آنان و احترام به تفاوت‌هایشان امکان‌پذیر است. اگر آموزش بخواهد رسالت اصلی خود را که همان پرورش همه‌جانبه انسان است به‌درستی انجام دهد، ناگزیر باید از الگوهای یکنواخت فاصله بگیرد و به سمت رویکردهایی حرکت کند که یادگیری را به تجربه‌ای معنادار، انعطاف‌پذیر و متناسب با هر

فرد تبدیل می‌کنند. یادگیری شخصی‌سازی‌شده را می‌توان گامی مهم در این مسیر دانست؛ مسیری که به جای نادیده گرفتن تفاوت‌ها، آن‌ها را نقطه آغاز رشد، خلاقیت و تعالی می‌داند.

امید است مطالب این کتاب بتواند زمینه‌ساز تأملی عمیق‌تر درباره ماهیت آموزش، جایگاه دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری و ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های تربیتی باشد. همچنین، انتظار می‌رود این نوشتار بتواند گامی هرچند کوچک در جهت ترویج نگرشی نو به آموزش و فراهم آوردن بسترهایی مناسب برای شکوفایی استعدادهای نسل آینده بردارد؛ نسلی که سرمایه اصلی جامعه و امید فردای آن است.

مقدمه

نظام‌های آموزشی در طول قرن‌های متمادی بر پایه الگویی شکل گرفته‌اند که در آن دانش‌آموزان به مثابه واحدهایی همسان در یک خط تولید صنعتی نگریسته می‌شدند. در این رویکرد که به آموزش کارخانه‌ای شهرت یافته است، فرض بر این بود که اگر محتوای یکسان، در زمانی یکسان و با روشی یکسان به گروهی از دانش‌آموزان هم‌سن ارائه شود، خروجی‌های مشابه و مطلوبی حاصل خواهد شد. اما واقعیت‌های روان‌شناختی و مشاهدات تربیتی در دهه‌های اخیر نشان داده است که این نگاه تقلیل‌گرایانه، بزرگ‌ترین سد در برابر شکوفایی استعداد‌های متنوع انسانی است. هر دانش‌آموز، جهانی منحصر به فرد از تجربه‌ها، توانمندی‌ها، علایق و سبک‌های پردازش اطلاعات است. نادیده گرفتن این تفاوت‌های بنیادی در کلاس‌های درس سنتی، نه تنها باعث هدررفت استعداد‌های پنهان می‌شود، بلکه منجر به ایجاد سرخوردگی، کاهش انگیزه و افت تحصیلی در میان دانش‌آموزانی می‌گردد که با الگوی متوسط کلاس همخوانی ندارند.

امروزه ضرورت بازنگری در ساختارهای آموزشی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. ما در عصری زندگی می‌کنیم که پیچیدگی‌های جهان نوین، نیازمند انسان‌هایی خلاق، خودراهبر و صاحب تفکر نقاد است؛ ویژگی‌هایی که در بستر آموزش‌های یکنواخت و تحمیلی به ندرت رشد می‌کنند. رویکرد یادگیری شخصی‌سازی شده، پاسخی بنیادین به این نیاز مبرم است. این رویکرد بر این باور استوار است که آموزش نباید دانش‌آموز را مجبور به انطباق با یک قالب از پیش تعیین شده کند، بلکه این محیط و فرایند یادگیری است که باید بر اساس نیازها و ویژگی‌های یادگیرنده بازطراحی شود. در یادگیری شخصی‌سازی شده، مرکز ثقل آموزش از «آموزگار و محتوا» به «یادگیرنده و فرایند رشد او» تغییر می‌یابد. این تغییر پارادایم، به معنای حذف نقش معلم نیست، بلکه به معنای بازتعریف هویت او از یک انتقال‌دهنده صرف اطلاعات به یک تسهیل‌گر، مربی و راهنمای مسیر است که به هر دانش‌آموز کمک می‌کند تا مسیر اختصاصی خود را برای رسیدن به قله‌های دانش و مهارت بیابد.

شکوفایی استعدادها در این رویکرد، نه یک اتفاق تصادفی، بلکه نتیجه‌ی مستقیم به رسمیت شناختن عاملیت دانش‌آموز است. زمانی که یک فراگیر احساس کند محتوای آموزشی با علایق او پیوند دارد و سرعت یادگیری متناسب با ظرفیت‌های ذهنی او تنظیم شده است، اشتیاق سوزانی برای دانستن در او شعله‌ور می‌شود. یادگیری شخصی‌سازی شده به دانش‌آموز اجازه می‌دهد تا نقاط قوت خود را شناسایی کرده و بر آن‌ها تمرکز کند، در حالی که در نقاط ضعف خود نیز از

حمایت‌های هدفمند و اختصاصی برخوردار می‌گردد. این عدالت آموزشی در معنای واقعی کلمه است؛ چرا که عدالت به معنای بخشش سهم یکسان به همه نیست، بلکه به معنای دادن آن چیزی به هر فرد است که برای موفقیت و تعالی به آن نیاز دارد. در این کتاب، ما به دنبال آن هستیم که نشان دهیم چگونه شخصی‌سازی یادگیری می‌تواند از یک مفهوم انتزاعی به یک راهبرد عملیاتی در مدارس تبدیل شود. علاوه بر این، پیوند میان یادگیری شخصی‌سازی شده و پیشرفت‌های علوم شناختی، اعتبار مضاعفی به این رویکرد بخشیده است. مطالعات مغز نشان می‌دهد که یادگیری پایدار زمانی رخ می‌دهد که اطلاعات جدید با ساختارهای شناختی قبلی فرد پیوند بخورد و با هیجانات مثبت همراه باشد. در محیط‌های شخصی‌سازی شده، به دلیل در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های ذهنی هر دانش‌آموز، این پیوندها عمیق‌تر و ماندگارتر شکل می‌گیرند. همچنین، این رویکرد با تقویت مهارت‌های فراشناختی، به دانش‌آموز می‌آموزد که چگونه یاد بگیرد، چگونه زمان خود را مدیریت کند و چگونه بر فرایندهای ذهنی خود نظارت داشته باشد. این‌ها همان مهارت‌های حیاتی هستند که فرد را برای یادگیری مادام‌العمر در دنیای پر تغییر آینده آماده می‌سازند.

هدف از نگارش این اثر، ارائه نقشه راهی برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی است تا بتوانند با تکیه بر اصول یادگیری شخصی‌سازی شده، محیطی سرشار از پویایی و خلاقیت فراهم آورند. ما معتقدیم که هیچ دانش‌آموزی «ناتوان» نیست، بلکه بسیاری از آنان تنها در سیستم‌های آموزشی نامناسب گرفتار شده‌اند. با تغییر نگاه از «آموزش برای همه» به «آموزش برای هر نفر»، می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که هیچ استعدادی به دلیل تفاوت در شیوه یادگیری، نادیده گرفته نمی‌شود و هر بذری در خاک مناسب خود، فرصت بالندگی و تبدیل شدن به درختی تناور را خواهد یافت. این کتاب دعوتی است به یک سفر تحولی؛ سفری از کلاس‌های درس ساکن و یکنواخت به سوی فضاهای یادگیری الهام‌بخش که در آن قلب و ذهن هر دانش‌آموز به طور همزمان مخاطب قرار می‌گیرد.

فصل اول

مبانی نظری و مفهومی یادگیری شخصی سازی شده

یادگیری شخصی سازی شده در سال های اخیر به عنوان یکی از مهم ترین رویکردهای تحول آفرین در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه اندیشمندان، برنامه ریزان آموزشی، معلمان و پژوهشگران قرار گرفته است. اهمیت این رویکرد از آن جا ناشی می شود که نظام های آموزشی سنتی، با وجود خدماتی که در گسترش آموزش عمومی داشته اند، در بسیاری از موارد نتوانسته اند به تفاوت های فردی، نیازهای متنوع، علایق گوناگون و ظرفیت های متفاوت دانش آموزان پاسخ مناسب دهند. در الگوهای یکسان نگر، همه یادگیرندگان در معرض محتوایی مشابه، زمان بندی یکسان، روش های تدریس تقریباً مشابه و معیارهای ارزیابی هم سان قرار می گیرند؛ گویی همه آنان از سطح توانایی، آمادگی، تجربه های پیشین و سبک های یادگیری مشابهی برخوردارند. حال آن که واقعیت انسانی و تربیتی نشان می دهد هر دانش آموز جهانی ویژه از توانمندی ها، عواطف، انگیزه ها، پیش زمینه ها و ویژگی های شناختی است. از این منظر، یادگیری شخصی سازی شده تلاشی برای بازاندیشی در ماهیت آموزش و حرکت به سوی نظامی است که در آن یادگیرنده نه یک جزء گمنام از جمع، بلکه محور اصلی و نقطه آغاز طراحی آموزشی محسوب می شود.

در سطح مفهومی، یادگیری شخصی سازی شده را می توان رویکردی دانست که در آن فرایند آموزش و یادگیری با توجه به نیازها، علایق، استعدادها، سرعت پیشرفت، پیش دانسته ها و ویژگی های فردی هر دانش آموز تنظیم می شود. در این رویکرد، هدف آن نیست که همه دانش آموزان دقیقاً از یک مسیر و با یک روش به یک نتیجه برسند، بلکه مقصود آن است که برای رسیدن به اهداف تربیتی، مسیرهای متنوع، انعطاف پذیر و متناسب با تفاوت های فردی طراحی شود. بنابراین، شخصی سازی یادگیری به معنای فروپاشی نظم آموزشی یا رها سازی دانش آموزان به حال خود نیست، بلکه به معنای سازمان دهی آگاهانه و هدفمند فرایند آموزش به گونه ای است که هر یادگیرنده بتواند در مناسب ترین شرایط ممکن، بیشترین رشد و پیشرفت را تجربه کند.

چنین برداشتی از یادگیری، عمیقاً با کرامت انسانی، احترام به تفاوت ها و عدالت تربیتی پیوند دارد.

برای فهم دقیق تر مبانی نظری این رویکرد، باید به این نکته توجه داشت که یادگیری شخصی سازی شده بر بنیانی انسان شناختی استوار است. این بنیان از این باور سرچشمه می گیرد که انسان موجودی یگانه، پویا، دارای اختیار، برخوردار از ظرفیت رشد و دارای مسیر تحول ویژه خویش است. اگر هر انسان را دارای هویت، تجربه زیسته، توانمندی های خاص و افق رشد منحصر به فرد بدانیم، طبیعی است که آموزش نیز نمی تواند بر یک الگوی ثابت و یکسان برای همگان متکی باشد. در چنین نگرشی، تفاوت نه مانع، بلکه سرمایه تربیت است. آموزش زمانی به معنای واقعی خود نزدیک می شود که بتواند این تفاوت ها را بشناسد، آن ها را به رسمیت بشناسد و زمینه شکوفایی شان را فراهم آورد. از همین رو، یادگیری شخصی سازی شده را باید بیش از آن که صرفاً یک روش آموزشی بدانیم، نوعی نگرش بنیادین به انسان، رشد و تربیت به شمار آوریم. از منظر روان شناختی، این رویکرد با نظریه هایی پیوند دارد که بر نقش فعال یادگیرنده در ساختن دانش و معنا تأکید می کنند. بر اساس این دیدگاه ها، یادگیری فرایندی منفعلانه نیست که در آن دانش آموز تنها دریافت کننده اطلاعات باشد، بلکه او با تکیه بر تجربه های پیشین، ساختارهای ذهنی موجود، انگیزه ها و درگیری فعال ذهنی، مفاهیم تازه را درک و بازسازی می کند. هنگامی که معلم، محتوا و محیط یادگیری را با توجه به وضعیت شناختی و عاطفی هر دانش آموز تنظیم می کند، امکان شکل گیری یادگیری عمیق تر و پایداری فراهم می شود. در واقع، یکی از مبانی نظری مهم یادگیری شخصی سازی شده این است که دانش آموزان با سرعت، شیوه و عمق یکسان نمی آموزند و هر برنامه آموزشی که این واقعیت را نادیده بگیرد، بخشی از ظرفیت رشد آنان را محدود خواهد کرد.

در کنار این مبانی، نقش تفاوت های فردی در تبیین ضرورت یادگیری شخصی سازی شده بسیار برجسته است. تفاوت های فردی شامل ابعاد گوناگونی چون توانایی ذهنی، حافظه، دقت، علاقه، انگیزه، هیجان، سبک یادگیری، شیوه حل مسئله، زمینه فرهنگی، وضعیت خانوادگی و تجربه های قبلی است. هیچ دو دانش آموزی را نمی توان یافت که در همه این ابعاد یکسان باشند. در کلاس های درس، برخی دانش آموزان با شنیدن بهتر می آموزند، برخی با مشاهده، برخی با تجربه عملی و برخی با گفت و گو و تأمل. برخی نیاز به زمان بیشتری برای درک مطلب دارند و برخی

دیگر با سرعت بیشتری پیش می‌روند. برخی در آغاز یادگیری به حمایت و راهنمایی بیشتری نیاز دارند و برخی توان خودراه‌بری بیشتری از خود نشان می‌دهند. یادگیری شخصی سازی شده بر این اصل استوار است که نظام آموزشی باید به جای نادیده گرفتن این تفاوت‌ها، آن‌ها را نقطه آغاز طراحی آموزشی قرار دهد.

از جنبه فلسفه تربیت نیز یادگیری شخصی سازی شده با اندیشه‌هایی هماهنگ است که بر پرورش همه‌جانبه انسان تأکید می‌کنند. اگر هدف آموزش را صرفاً انتقال اطلاعات و آماده‌سازی برای آزمون‌ها بدانیم، شاید الگوهای یکسان و فشرده تا اندازه‌ای پاسخ‌گو باشند. اما اگر تربیت را فرایندی بدانیم که باید به رشد فکری، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و خلاقانه انسان بینجامد، در آن صورت نمی‌توان همه دانش‌آموزان را در قالبی واحد محدود کرد. تربیت حقیقی زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموز فرصت پیدا کند خود را بشناسد، استعدادهایش را کشف کند، علاقه‌اش را دنبال کند، در مسیر رشد خود نقش فعال داشته باشد و در محیطی معنادار و حمایت‌گر بیاموزد. چنین تصویری از تربیت، زمینه نظری محکمی برای شخصی سازی یادگیری فراهم می‌آورد. یکی دیگر از مبانی مهم این رویکرد، عدالت آموزشی است. در نگاه سطحی، ممکن است عدالت به معنای رفتار یکسان با همه دانش‌آموزان فهمیده شود، اما در نگاه عمیق‌تر، عدالت آموزشی به معنای فراهم کردن فرصت‌های متناسب برای رشد همه یادگیرندگان است. رفتار یکسان با افراد متفاوت، لزوماً عادلانه نیست. اگر دانش‌آموزان از نظر آمادگی، نیاز، توانایی و شرایط زندگی با یکدیگر متفاوت باشند، آموزش عادلانه آن است که این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد و برای هر یک فرصت مناسب فراهم آورد.

یادگیری شخصی سازی شده دقیقاً در همین نقطه معنا می‌یابد. این رویکرد می‌کوشد با دور شدن از الگوهای خشک و هم‌سان، به هر دانش‌آموز آنچه را که برای رشدش لازم است ارائه کند. بنابراین، شخصی سازی یادگیری نه تنها با عدالت در تعارض نیست، بلکه می‌تواند یکی از عینی‌ترین صورت‌های تحقق عدالت در نظام آموزشی باشد. از بعد شناختی، یادگیری شخصی سازی شده با این اصل همراه است که یادگیری زمانی مؤثرتر خواهد بود که با سطح آمادگی ذهنی، تجربه‌های پیشین و ساختارهای شناختی یادگیرنده تناسب داشته باشد. وقتی محتوا برای دانش‌آموز بیش از اندازه دشوار باشد، اضطراب، درماندگی و انصراف از یادگیری رخ می‌دهد؛ و هنگامی که بیش از حد ساده باشد، کسالت، بی‌انگیزگی و کاهش درگیری ذهنی پدید

می آید. بنابراین، تنظیم سطح دشواری، نوع فعالیت ها، میزان حمایت آموزشی و سرعت پیشرفت بر اساس وضعیت واقعی یادگیرنده، از مهم ترین اصول نظری این رویکرد است. این مسئله نشان می دهد که یادگیری شخصی سازی شده با طراحی دقیق آموزشی، به دنبال ایجاد تعادل میان چالش و توانایی است؛ تعادلی که یادگیری را هم لذت بخش و هم ثمربخش می سازد.

در این میان، انگیزش نیز جایگاه بسیار مهمی در مبانی مفهومی یادگیری شخصی سازی شده دارد. بسیاری از شکست های تحصیلی نه از ناتوانی ذاتی، بلکه از کاهش انگیزه، بی معنایی آموزش و احساس نادیده گرفته شدن ناشی می شوند. زمانی که دانش آموز احساس کند محتوای آموزشی با زندگی، علاقه یا نیاز او ارتباطی ندارد، احتمال درگیری فعال او با یادگیری کاهش می یابد. اما اگر آموزش به گونه ای طراحی شود که به علایق فردی، انتخاب های دانش آموز، هدف های شخصی و زمینه های واقعی زندگی او پیوند بخورد، اشتیاق به یادگیری افزایش می یابد. یکی از پایه های نظری یادگیری شخصی سازی شده آن است که یادگیرنده باید در فرایند یادگیری احساس مالکیت، معنا و نقش آفرینی داشته باشد. از این رو، این رویکرد با افزایش حس شایستگی، استقلال و تعلق، انگیزه درونی دانش آموز را تقویت می کند.

نقش معلم در چارچوب نظری یادگیری شخصی سازی شده نیز دگرگون می شود. در الگوهای سنتی، معلم اغلب انتقال دهنده اصلی دانش و کنترل کننده مطلق فضای کلاس بود. اما در رویکرد شخصی سازی شده، معلم بیشتر به عنوان هدایت گر، طراح موقعیت های یادگیری، مشوق، مشاهده گر دقیق و پشتیبان رشد فردی دانش آموزان عمل می کند. این تغییر نقش، ریشه در مبانی نظری این رویکرد دارد؛ زیرا اگر یادگیری را فرایندی فعال، فردمحور و متکی بر تفاوت های فردی بدانیم، دیگر نمی توان معلم را صرفاً سخن گو و دانش آموز را صرفاً شنونده در نظر گرفت. معلم باید بتواند نیازهای متفاوت را تشخیص دهد، بازخورد مناسب بدهد، فرصت های متنوعی برای یادگیری فراهم سازد و دانش آموزان را در مسیر کشف توانایی های خود یاری کند.

همچنین، یادگیری شخصی سازی شده با مفهوم خودراهبری در یادگیری پیوندی عمیق دارد. یکی از اهداف مهم تربیت، آن است که دانش آموز به تدریج توانایی برنامه ریزی، نظارت، ارزیابی و اصلاح فرایند یادگیری خود را به دست آورد. در این نگاه، دانش آموز تنها مصرف کننده آموزش نیست، بلکه در ساختن و هدایت آن سهم دارد. این مبنا سبب می شود که شخصی سازی یادگیری تنها به تفاوت در محتوا یا روش محدود نماند، بلکه به پرورش مسئولیت پذیری، خودآگاهی،

انتخاب‌گری و استقلال فکری نیز بینجامد. در نتیجه، دانش‌آموز می‌آموزد که چگونه بیاموزد، چگونه نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد و چگونه برای رشد مستمر خود تصمیم‌گیری کند. چنین مهارتی برای زندگی فردی و اجتماعی آینده نیز بسیار ارزشمند است.

از نظر مفهومی، لازم است میان یادگیری شخصی‌سازی‌شده و برخی مفاهیم نزدیک اما متفاوت تمایز قائل شویم. گاه این رویکرد با فردی‌سازی آموزش یا تفاوت‌گذاری آموزشی یکسان پنداشته می‌شود، در حالی که هر یک از این مفاهیم دارای معنای خاص خود هستند. فردی‌سازی بیشتر به تنظیم سرعت و سطح آموزش با توجه به توانایی فرد اشاره دارد، و تفاوت‌گذاری آموزشی بیشتر بر تنوع در روش‌ها، فعالیت‌ها و تکالیف برای پاسخ‌گویی به تفاوت‌های دانش‌آموزان تأکید می‌کند. اما یادگیری شخصی‌سازی‌شده مفهومی گسترده‌تر دارد و علاوه بر این عناصر، به نقش فعال دانش‌آموز در انتخاب، معنا دادن به یادگیری و ساختن مسیر رشد خویش نیز توجه می‌کند. به بیان دیگر، در این رویکرد نه تنها آموزش با فرد سازگار می‌شود، بلکه خود فرد نیز در شکل‌دهی به تجربه یادگیری مشارکت دارد.

یکی دیگر از ابعاد نظری این رویکرد، توجه به محیط یادگیری است. یادگیری شخصی‌سازی‌شده صرفاً در سطح برنامه درسی یا روش تدریس معنا پیدا نمی‌کند، بلکه به فضای کلی مدرسه، روابط انسانی، فرهنگ کلاس و امکانات محیطی نیز وابسته است. محیطی که در آن ترس، تحقیر، مقایسه مداوم و فشار افراطی حاکم باشد، حتی اگر از نظر محتوایی متنوع باشد، نمی‌تواند بستر مناسبی برای شخصی‌سازی یادگیری فراهم کند. در مقابل، محیطی که بر احترام، اعتماد، پذیرش تفاوت‌ها، فرصت انتخاب، گفت‌وگو و حمایت از رشد فردی استوار باشد، به یادگیرندگان امکان می‌دهد که خود را بهتر بشناسند و با امنیت روانی بیشتری در فرایند یادگیری مشارکت کنند. بنابراین، یکی از مبانی مفهومی مهم این رویکرد، نگاه کل‌نگر به یادگیری است؛ نگاهی که آموزش را در پیوند با بافت اجتماعی و عاطفی آن می‌بیند.

در تبیین نظری یادگیری شخصی‌سازی‌شده، نباید از نقش خانواده و زمینه فرهنگی نیز غافل شد. دانش‌آموزان با پیشینه‌های فرهنگی، ارزشی و اجتماعی متفاوت وارد مدرسه می‌شوند و این تفاوت‌ها بر درک آنان از آموزش، نوع انگیزش، شیوه تعامل و افق انتظاراتشان اثر می‌گذارد. اگر آموزش بخواهد شخصی‌سازی‌شده باشد، باید این زمینه‌ها را نیز در نظر بگیرد. بی‌توجهی به بستر

خانوادگی و فرهنگی می تواند موجب سوءبرداشت از توانایی های دانش آموز یا نادیده گرفتن نیازهای واقعی او شود. از این منظر، شخصی سازی یادگیری نیازمند نگاهی جامع به دانش آموز است؛ نگاهی که او را نه صرفاً در چارچوب کلاس، بلکه در متن زندگی واقعی اش ببیند. نکته مهم دیگر آن است که یادگیری شخصی سازی شده با پرورش استعدادها رابطه ای بنیادین دارد. استعدادها زمانی شکوفا می شوند که شناسایی شوند، جدی گرفته شوند و فرصت رشد پیدا کنند. در الگوهای یکسان نگر، بسیاری از استعدادها به دلیل محدود بودن معیارهای موفقیت، ناشناخته می ماند. ممکن است دانش آموزی در تحلیل، دیگری در هنر، فردی در همکاری اجتماعی و دیگری در آفرینش فکری توانمند باشد، اما اگر تنها یک گونه از موفقیت معتبر شمرده شود، بخش بزرگی از این توانمندی ها پنهان می ماند. یادگیری شخصی سازی شده با گسترش میدان مشاهده و ارزیابی، به معلم و مدرسه کمک می کند که استعدادهای متنوع را بهتر کشف کنند و برای رشد آن ها برنامه ریزی نمایند. از این رو، این رویکرد زمینه ساز تربیتی غنی تر، انسانی تر و آینده نگرتر است.

در سطح عملی نیز مبانی نظری این رویکرد به ما می آموزد که طراحی آموزشی باید انعطاف پذیر، چندمسیره و پاسخ گو باشد. اگر یادگیری را فرایندی شخصی، رشدی و وابسته به تفاوت های فردی بدانیم، در آن صورت اهداف، محتوا، روش ها، فعالیت ها و ارزشیابی ها نیز باید با درجاتی از انعطاف طراحی شوند. این انعطاف به معنای بی نظمی یا حذف معیارهای آموزشی نیست، بلکه به معنای آن است که راه های رسیدن به اهداف می تواند متنوع باشد. برخی دانش آموزان ممکن است از راه گفت و گو بهتر بیاموزند، برخی از راه نوشتن، برخی از راه مشاهده و برخی از راه تجربه عملی. پذیرش این تنوع، ریشه در همان مبانی نظری ای دارد که انسان را متکثر، پویا و دارای نیازهای ویژه می بیند.

از منظر تربیت اخلاقی نیز یادگیری شخصی سازی شده اهمیتی ویژه دارد. این رویکرد با به رسمیت شناختن تفاوت ها، در عمل به دانش آموزان می آموزد که انسان ها یکسان نیستند و همین تفاوت ها شایسته احترام اند. هنگامی که مدرسه بر اساس پذیرش تفاوت ها عمل کند، نه تنها به یادگیری بهتر کمک می کند، بلکه فرهنگی از احترام متقابل، همدلی و مسئولیت پذیری را نیز پرورش می دهد. دانش آموز در چنین فضایی می آموزد که رشد خود را با تحقیر دیگری معنا نکند و موفقیت را تنها در رقابت محدود نبیند، بلکه ارزش تفاوت ها و اهمیت همکاری را نیز درک کند.

از این جهت، شخصی سازی یادگیری تنها یک راهبرد آموزشی نیست، بلکه رویکردی تربیتی با پیامدهای اخلاقی و اجتماعی گسترده نیز به شمار می رود.

همچنین باید توجه داشت که یادگیری شخصی سازی شده، رویکردی ایستا و یک بار برای همیشه نیست، بلکه فرایندی پویا، پیوسته و نیازمند بازنگری مداوم است. دانش آموز در طول زمان تغییر می کند، رشد می یابد، علاقه های تازه پیدا می کند، برخی موانع را پشت سر می گذارد و با چالش های جدیدی روبه رو می شود. بنابراین، شخصی سازی یادگیری مستلزم مشاهده مستمر، بازخورد پی درپی، تنظیم دوباره برنامه ها و انعطاف در تصمیم گیری های آموزشی است. این پویایی نیز یکی از مبانی نظری مهم این رویکرد است؛ زیرا رشد انسان را فرایندی زنده، تدریجی و غیرخطی می داند.

مفهوم شناسی یادگیری شخصی سازی شده و تمایز آن از آموزش یکسان نگر

یادگیری شخصی سازی شده یکی از مفاهیم بنیادین و تحول آفرین در عرصه تعلیم و تربیت معاصر است که در پاسخ به محدودیت ها و نارسایی های الگوهای سنتی آموزش پدید آمده و به تدریج جایگاهی محوری در اندیشه های تربیتی یافته است. این مفهوم بر این باور استوار است که هر دانش آموز دارای ویژگی های شناختی، عاطفی، انگیزشی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود است و بنابراین فرایند یادگیری او نیز نمی تواند به صورت کامل در قالبی یکسان و همگانی تعریف شود. در نظام های آموزشی متعارف، معمولاً همه دانش آموزان بر اساس برنامه ای واحد، زمان بندی مشابه، محتوایی تقریباً ثابت و شیوه های تدریسی نسبتاً یکسان آموزش می بینند. چنین الگویی اگرچه از نظر سازمان دهی و اداره کلاس ممکن است ساده تر به نظر برسد، اما در سطح عمیق تر، بسیاری از تفاوت های فردی، نیازهای واقعی و ظرفیت های منحصر به فرد یادگیرندگان را نادیده می گیرد. از این رو، مفهوم شناسی یادگیری شخصی سازی شده تنها شرح یک اصطلاح آموزشی نیست، بلکه نوعی بازاندیشی در ماهیت یادگیری، جایگاه دانش آموز، نقش معلم و فلسفه آموزش به شمار می آید.

برای فهم دقیق این مفهوم، نخست باید به این نکته توجه کرد که شخصی سازی در یادگیری به معنای تغییر بنیادی در نگاه به آموزش است. در این رویکرد، آموزش دیگر صرفاً فرایندی برای انتقال مجموعه ای از اطلاعات از سوی معلم به دانش آموز نیست، بلکه تجربه ای پویا، تعاملی و